



مواقت روحانی با تعطیلی یک هفته‌ای استان‌های قرمز

کرونا دردسر دولت

کروه جامعه؛ بالاخره تشدید ابتلا به کرونا در شیوع موج سوم این بیماری و پایین‌نامدن میزان بستری‌ها دولت را وادار به عقب‌نشینی کرد و پس از هشت ماه مجوز داد که در صورت صلاحدید پزشکان و ستاد مقابله با کرونا، استاندارها...

صفحه ۹

یکشنبه ۶ مهر ۱۳۹۹ - ۹ صفر ۱۴۴۲ - ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰

تیتراها

چرا ترامپ به ایران نپرداخت؟

صفحه ۴

میر سلیم:

ماجرای دنایلاس برای به خفت کشاندن مجلس بود

صفحه ۳

چه بر سر بیرانوند آمده است؟

صفحه ۱۱

کشمکش ۲۰ساله بر سر یک طرح

انتخابات تناسبی استانی یا اکثریتی؟

صفحه ۲



یادداشتی از محسن هاشمی رفسنجانی

ریال، دومین قربانی بزرگ در جنگ با آمریکا

جمهوری اسلامی ایران از سال نخست تأسیس وارد شرایط مخاصمه با آمریکا شد و به جز در مقطع دوساله به‌برجام، تقریباً در ۴۰ سال گذشته این تخاصم که یکی از ویژگی‌های آن عدم ارتباط دیپلماتیک است، مداوم داشته است. اما اوج فشارهای ایالات متحده آمریکا به جمهوری اسلامی ایران در دو سال اخیر شکل گرفته است، از ابتدای سال ۱۳۹۷ که تحریم‌ها به طرز بی‌سابقه‌ای تشدید شد تا سال ۱۳۹۸ که شاهد ترور ناچوانمردانه سردار سلیمانی در بغداد بودیم و تکت‌نشدن حلقه محاصره در سال ۱۳۹۹ که موجب کاهش درآمد نفتی کشور از ۱۰۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به هفت میلیارد دلار در سال جاری شده است. نتیجه این فشارها کاهش شدید پول ملی، تورم رکودی، گسترش سریع فقر و کوچک‌شدن سفره مردم است؛ امری که مختص ایران نیست و در برخی کشورهای دیگر نظیر لبنان نیز شاهد آن هستیم. ارزش برابری پول ملی ایران مقابل دلار حدود ۴۰ ماه قبل معادل سه‌هزار و ۶۰۰ تومان بود و با توجه به کاهش ارزش دلار در همین دوره در برابر طلا، ارزش پول ملی ایران طی ۴۰ ماه تقریباً به یک‌هفتم کاهش یافته است؛ پدیده‌ای که تنها در دوره انقلاب شاهد آن بودیم و کاهش ارزش پول ملی در طول دوران حدود صدها ساله یک دولت تقریباً به یک‌سوم ابتدای دوره می‌رسیده است. البته می‌توان نقش دستگاه‌های مختلف در این بحران اقتصادی را مطالعه و سهمی مستقل برای هر یک از دستگاه‌ها نظیر دولت، مجلس، سیستم بانکی، رسانه‌ها و افکار عمومی تعیین کرد اما فارغ از هر نوع تقسیم‌بندی، نتیجه حاصل، براینده عمل کل مجموعه حاکمیت بوده است و اگر اشتباه بزرگی در یک بخش رخ می‌داد، این وظیفه سایر مسئولان بوده که جلوی اشتباه را بگیرند، هرچند بنا بر دیدگاهی، هر دولتی که به جای دولت فعلی هم در این شرایط مسئولیت داشت، تنها می‌توانست تفاوتی عملکردی در حد چند درصد بهتر یا بدتر ارائه دهد و کلیات این شرایط اجتناب‌ناپذیر بود. براساس تجربیات جهانی، فاز فعلی برخورد ایران و آمریکا را می‌توان در قالب جنگ اقتصادی ارزیابی کرد و سایر تحرکات مانند ترور شهید سلیمانی یا ساقطکردن پهپاد و حمله موشکی به عین‌الاسد، در حاشیه این تقابل اصلی به وجود آمده‌اند. همه می‌دانیم که در جنگ اقتصادی دو کشور نیز مهم‌ترین نهاد و معیار برتری، ارزش پول ملی است. سقوط پول ملی یک کشور نشان از تضعیف توان و سرمایه داخلی آن کشور دارد به خصوص اگر این سقوط در ابعاد چندبرابری رخ دهد و مانند اقتصاد ایران شاهد کاهش ارزش پول ملی به یک‌هفتم ارزش سه سال قبل آن باشیم. پس اگر بپذیریم که جنگ اصلی ایران و آمریکا، در حال حاضر جنگ اقتصادی است، دفاع و صیانت از ارزش پول ملی مهم‌ترین اقدام دفاعی کشور است و اگر نتوانیم از ارزش پول ملی خود دفاع کنیم، عملاً برتری و پیروزی دشمن را پذیرفته‌ایم.

ادامه در صفحه ۴



سازمان مالیاتی عدم همکاری بعضی از بانک‌ها را خلاف قانون می‌داند

اقدام قضائی علیه بانک‌های متخلف

صفحه ۵



با دستور هاشمی مسئول دستگیری اعضای فرقان شدیم

ناگفته‌های محمد سلامتی از سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

صفحه ۲

یادداشت

الزام اتصال ۴حلقه برای توسعه نفت

بر مبنای بهبود و افزایش تولید در راستای افزایش ضربرب بازیافت است؛ بنابراین خروجی مورد انتظار مستلزم ریل‌گذاری در مسیر رسیدن به هدف اصلی مطالعات است، نکته‌ای که به نظر مغفول مانده است. تهدید بعدی شکست طرح‌های فوق، ساختار فعلی شرکت‌های بهره‌برداري است؛ برای مثال از آنجایی‌که اولویت اصلی شرکت‌های بهره‌بردار به‌عنوان مالکان اصلی میادین، بهره‌برداری و رفع چالش‌های تولید است؛ بنابراین نبود جهت‌دهی و نظارت کافی از یک سو و کمبود متخصصان ذی‌ربط، خروجی مورد انتظار را محقق نخواهد کرد و از سویی دیگر فعالیت‌های پژوهشی به‌واسطه اولویت‌های تکلیفی به‌طور سنتی در درجات پایین اولویت در این دستگاه‌ها قرار داشته‌اند.ایک که عزم میدان ارشد اجرایی بر استفاده حداکثری از ظرفیت‌های بومی با نگاه بر توانمندسازی مجموعه‌های داخلی استوار است، باید به‌منظور ازهم‌گسیختگی زنجیره پژوهش تا کاربرد صنعتی در دو بخش دانشگاه و صنعت حلقه‌های واسطی فعال شوند.

۱. بخش دانشگاهی: قرار نیست مراکز علمی با اجرای این پروژه‌ها به مراکز تجاری تبدیل شوند، ضمن اینکه سازوکاری برای ارائه تجاری محصولات، خدمات و یافته‌های آنها نیز وجود ندارد؛ بنابراین مانند گذشته اجرای پروژه‌ها محدود به اعضای حقیقی خواهد شد که در این خصوص مبحث پاسخ‌گویی، رسوب و انتقال تکنولوژی و تدوین دانش فنی کاملاً موضوعیتی خود را مانند سال‌های گذشته از دست خواهد داد. در این خصوص استفاده و به‌کارگیری مجموعه‌های استراتژی/تای/ دانش بنیان ضروری به نظر می‌رسد. مجموعه‌های که حسب ساختار پژوهش‌محور خود جهت‌دهی و یکپارچه‌سازی مسیر تحقیقات را تضمین کرده و به‌لحاظ ارتباطات بین‌المللی می‌آیدین فوق چندین نوبت توسط مهندسان مشاور تحت‌الارسی (مهندسان مشاور اکتشاف و تولید)، شرکت‌های بهره‌بردار و بعضاً شرکت‌های بین‌المللی مطالعه شده‌اند. نکته اصلی تمیزدادن انجام مطالعات جامع و به‌روزرسانی یا مطالعه‌ای

ادامه در صفحه ۴



مجتبی خلیلی

نزدیک به ۷۰ درصد تولید نفت از میادینی با طول عمر بالا صورت می‌پذیرد، فرایندی که ادامه رویه‌های معمول حتی نگهداشت تولید را نیز به چالش کشیده است. مطابق سیاست‌گذاری انجام‌شده و خطمشی و راهبرد توسعه و بهره‌برداری صیانتی از مخازن نفت و گاز که با نام راهبرد توسعه مخازن در سال ۹۶ از سوی مقام عالی وزارت ابلاغ شد، میادین اولویت‌دار شناسایی و برای انجام مطالعات جامع و تهیه طرح توسعه واگذار شد، به موازات آن قراردادهای پژوهشی حوزه اکتشاف و تولید در راستای ازدیاد برداشت در فاز دوم با ۹ دانشگاه و مراکز تحقیقاتی و در فاز دوم با ۱۳ مجموعه منعقد شد. از آنجایی‌که هدف از واگذاری طرح‌های پژوهشی به دانشگاه‌ها جدای از مطالعات روتین مهندسی بوده، باید در این زمینه مراقبت‌هایی انجام شود تا از مسیر اصلی و برنامه هدف‌گذاری شده خارج نشود. همان‌طور در این‌باره نقدهایی اساسی بر واگذاری‌های بخش اول وارد است. قبل از ورود به بحث لازم به ذکر است اساساً دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی بنگاهای تجاری نیستند تا از ایشان انتظار خروجی صنعتی بتوان انتظار داشت؛ بنابراین باید به‌دنبال حلقه مفقوده تجاری‌سازی بود؛ به عبارتی برای برگرداندن زبان آکادمیک و تحقیقات به نیاز صنعتی باید از ظرفیت‌های خارج از مراکز دانشگاهی بهره برداز. طرفی سرگرم‌کردن استادان و دانشجویان به فضاهای صرفاً صنعتی و تجاری آفت اصلی قراردادهای فوق خواهد شد که هدف‌گذاری‌های انجام‌شده را بی‌اثر خواهد کرد. در ۲۰ سال اخیر می‌آیدین فوق چندین نوبت توسط مهندسان مشاور تحت‌الارسی (مهندسان مشاور اکتشاف و تولید)، شرکت‌های بهره‌بردار و بعضاً شرکت‌های بین‌المللی مطالعه شده‌اند. نکته اصلی تمیزدادن انجام مطالعات جامع و به‌روزرسانی یا مطالعه‌ای

ارتباط با روزنامه شرق
SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR

ادامه در صفحه ۲



ترامپ «امی‌بارت» را برای قضاوت در دیوان عالی معرفی کرد

یک محافظه‌کار جانشین قاضی لیبرال

کروه جهان: رئیس‌جمهور آمریکا روز گذشته «امی کانی بارت» قاضی دادگاه تجدیدنظر فدرال را برای پرکردن کرسی خالی «روث بادر گینزبرگ» به سنا معرفی کرد و در صورت تأیید از سوی سنا که اکثریت آن در حال حاضر در اختیار جمهوری خواهان...

صفحه ۸

سال هجدهم - شماره ۲۸۲۷ - ۱۲ صفحه - ۵۰۰۰ تومان

سرمقاله

دولتی که به جای تاریخ جغرافیا می‌سازد!

کمال اطهاری - پژوهشگر توسعه



ابتدا از تاریخ بگویم: اقتصاد ایران وابسته به تک‌محصول نفت یا بیرون‌زا و درون‌نگر باقی مانده، چون نتوانسته است دانش‌بنیان شود؛ محیط زیست به‌دلیل بیش‌برداشت از سفره‌های زیرزمینی آب شیرین و مراتع و جنگل‌ها و... که خود ناشی از بهره‌وری پایین و فقر روستاییان است، به شدت آسیب دیده است و این در آینده نزدیک نابودی روستاهای کوچک با قریب سه میلیون جمعیت را به دنبال دارد؛ سکونتگاه‌های غیررسمی در حال گسترش‌اند؛ شاخص (بی‌کاری به علاوه تورم) در سال ۱۳۹۸ یا پیش از کرونا، بالاترین‌های آن در جهان بوده است؛ کارگران امکان تشکیل اتحادیه‌های فراگیر تعاونی‌های مسکن ندارند؛ تمرکززدایی دموکراتیک مدیریت استانی و شهری صورت نگرفته است، در عوض بورژوازی مستغلات رانتی، اقتصاد، بانک‌ها، قانون‌گذاری و فضای شهرها را تسخیر کرده و فساد و انحصار سرمایه‌داری همدستان مانع رقابت و نوآوری و رشد تولید مولد و دانش‌بنیان است و...؛ این یعنی باوجود فرصت کافی چند دهه‌ای، دولت‌ها نتوانسته‌اند تاریخ‌ساز باشند. اما همواره خواهان ساختن جغرافیا بوده‌اند؛ پایتخت را انتقال دهند، آب شور را از دریای عمان به کویر لوت و از دریای (دریاچه) خزر به کویر مرکزی بیاورند، جهت مهاجرت را معکوس کنند، مسکن مهر و ملی بسازند و حاشیه‌نشینی را جمع کنند و... چرا؟ چون از ساختن تاریخ نومیدند و ساختن جغرافیا را آسان می‌پندارند؛ چون ساختن جغرافیا در نظر آنها چیزی جز «بنایی» نیست! بنایی هم نه الگوی توسعه می‌خواهد و نه سیاست اجتماعی، نه ساختن نهادهای تمرکززدایی دموکراتیک می‌خواهد، نه انتخابات آزاد و مجازشدن سندیکا و نه حضور در FATF، نه به تغییر نظام بهره‌برداری کشاورزی نیاز دارد، نه برپایی نظام مالی مسکن کم‌درآمدها می‌خواهد و نه توانمند و تواناسازی آنها در سکونتگاه‌های غیررسمی و نه ساختن نهاد بازار رقابتی و انتقال ذخایر بانکی از مستغلات و مال‌ها و انحصارات به بخش مولد و نه به ساختن نهادهای و محیط تولید دانش‌بنیان و قابل رقابت با خارج محتاج است؛ بنایی تنها چند نقشه و مصالح ساختمانی و مهندس و کارگر بدون بیمه می‌خواهد که همه از داخل و خارج کشور بدون دردسر قابل فراهم‌کردن است. بودجه آن هم از پول نفت و صندوق توسعه تأمین می‌شود و اگر نباشد، ادعایی بزرگ می‌کنیم که آن را بدون پول می‌سازیم. مثل ادعای مدیریت بدون پول شهرها، بی‌پایه‌بودن چنین ادعایی درباره انتقال پایتخت نیز روشن است: برآوردها نشان می‌دهد که ساختن یک شهر ۵۰۰ هزار نفری مجهز در خور پایتخت ایران، به ۳۰۰ میلیارد دلار نیاز دارد، یعنی سه برابر کل تشکیل سرمایه یا صادرات (نفتی و غیرنفتی) ایران در اوج آن در دوران غیرتحریم. حال اگر یک پیمانکار بخواهد به‌طور مستقل این کار را شروع کند، حداقل ۲۰ درصد آن را برای تجهیز کارگاه و آغاز کار باید داشته باشد و این یعنی ۶۰ میلیارد دلار که غیر ممکن می‌آید یک پیمانکار، جدا از نظامی یا خصوصی، یا داخلی و خارجی‌بودنش، دارای چنین ذخیره‌ای باشد تا بعد بتواند جذب اعتبار و سرمایه کند. از سویی تحقیقات متعدد نشان داده که اگر این بودجه صرف دانش‌بنیان‌شدن اقتصاد ایران و تمرکززدایی واقعی شود دیگر به انتقال پایتخت نیازی نیست، چون امکان انتقال صنایع و شرکت‌های بزرگ به دیگر مناطق فراهم می‌شود و کل اقتصاد هم رشد و توسعه می‌یابد. با چنین رشدی، بازگشت سرمایه آن پیمانکار پولدار نیز تضمین شده است و دوره بازگشت آن حتی کوتاه‌تر از ساختن یک پایتخت و در آن فروش مسکن به کارمندان نادر است. آیا پیشنهاددهندگان به این فکر نکرده‌اند که تغییر جغرافیایی پایتخت به این دلیل، به‌همزنله پایان تاریخ است؟ پایان سخن اینکه تنها تاریخ‌سازان می‌توانند جغرافیا را بسازند.

دوست عزیز آقای علی فراهانی

مصیبت وارده را به جناب‌عالی و خانواده محترم تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند منان برای آن مرحومه رحمت واسعه و برای شما و سایر بازماندگان صبر آرزو می‌ندیم.

ابوالفضل سلطانی، محمد صالحی